



نوشته فرحان حنیف صدیقی

منبع آواز جنوب آسیا ماه سپتامبر 2020

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

## بررسی انگیزه های سیاست خارجی پاکستان

### Exploring the Impulses in Pakistan's Foreign Policy



سیاست خارجی پاکستان را می توان با توجه به سه انگیزه **هنجاری**، **دولتی** و **ساختاری** درک کرد. **اولاً**، انگیزه هنجاری یک عنصر سازنده پروژة دولت-ملت پاکستان است که شامل عناصر ایدئولوژیک و خودتعریف کننده مانند فرهنگ، ارزش ها، مذهب و تاریخ براساس هویت اسلامی آن است. وقتی که ادبیات روابط بین الملل منافع ملی را پیش بینی کننده ی قابل اعتمادتری برای سیاست خارجی می داند، هویت اسلامی پاکستان تا چه اندازه در سیاست خارجی این کشور هویت یا ایدئولوژی را توضیح میدهد. **دوم**، گرایش دولت گرایی در سیاست خارجی پاکستان نشان دهنده تثبیت مسیر وابسته به پارادایم سنتی امنیت به عنوان دفاع در برابر تهدیدهای خارجی است. این تصورات تهدید منطقه ای از دو همسایه فوری آن سرچشمه می گیرد: از افغانستان، از طریق درگیری خط دیورند. از هند، بیش از کشمیر، که مشکل اصلی امنیتی آن است. **سوم**، انگیزه ساختاری نشان دهنده ورودی های سیاست از سوی سیستم بین المللی و به ویژه قدرت های بزرگی است که

پاکستان کنترل کمی بر آنها اعمال می‌کند. به عنوان مثال، رقابت استراتژیک فزاینده بین ایالات متحده و چین، مستقیماً بر سیاست خارجی پاکستان تأثیر می‌گذارد، زیرا پاکستان تلاش می‌کند بین دو قدرت حرکت کند بدون اینکه روابط خود را با هیچ یک از آنها به خطر بیندازد. این سه ضرورت بینشی را در مورد دو هدف کلیدی سیاست خارجی پاکستان فراهم می‌کند: دستیابی به رستگاری اقتصادی و تنظیم امنیت سنتی.

## ابعاد هنجاری در سیاست خارجی پاکستان

آیا اسلام به عنوان یک آرمان هنجاری توضیح محکمی برای سیاست خارجی پاکستان از زمان استقلال ارائه می‌دهد یا سیاست خارجی باید بیشتر با دستیابی به اهداف منافع ملی کارخانگی اش را انجام دهد؟ هویت اسلامی اغلباً به عنوان یک عنصر کلیدی موجب میشود که اولین نخست وزیر پاکستان لیاقت علی خان دعوت رسمی اتحاد جماهیر شوروی را در سال 1949 رد یا از پذیرفتن آن کناره‌گیری میکنند و در عوض، با زدید از ایالات متحده در ماه مه 1950 مورد استناد قرار می‌گیرد زیرا ایدئولوژی کمونیستی "بی‌خدایی" اتحاد جماهیر شوروی با حساسیت‌های مذهبی پاکستان دستکاری شده یا که مطابقت ندارد لذا این بعد ایدئولوژیک به راحتی کنار گذاشته شد که به چین، قدرت کمونیستی متقابل رسید. پاکستان در اوایل سال 1950 چین کمونیستی را به رسمیت شناخت و علیرغم مشارکت در اتحادهای دفاعی نظامی با ایالات متحده، روابط دوجانبه با دولت چین را آغاز کرد.

تأثیر متقابل هویت اسلامی و منافع ملی در ارتباط پاکستان با جهان اسلام نیز آشکار است. این گسترش در سال‌های اولیه ناچیز بود، زیرا منافع ملی پاکستان سیاست خارجی طرفدار غرب و واکنش کمتر مشتاقانه به ناسیونالیسم عرب را دیکته می‌کرد. در سال 1956، حسین شهید سهروردی، نخست‌وزیر پاکستان، با ابراز تا سفاک از وضعیت جهان اسلام، تکرار کرد: «صفر به اضافه صفر به علاوه صفر، در نهایت برابر با آن، صفر است».

منافع ملی که انتخاب‌های سیاست خارجی را دیکته می‌کند هم برای پاکستان و هم برای کشورهای مسلمان موضوعی است که پاکستان به عنوان متحدان خود پس از لغو ماده (370) مربوط به اعطای وضعیت نیمه خودمختار جامو و کشمیر در آگوست 2019 از آن استفاده کرده است. وزیر امور خارجه پاکستان اخیراً عربستان سعودی را مقصر دانسته است. یعنی عدم حمایت او از تشکیل جلسه ویژه سازمان همکاری اسلامی در مورد کشمیر، که پس از کاهش کمک‌های خود به پاکستان صورت گرفت. این نمونه کوچکی از این است که چگونه ایدئالیسم هنجاری - همبستگی، به عنوان کشوری با اکثریت مسلمان، با پاکستان در موضع خود در مورد کشمیر با اکثریت مسلمان - اهمیت فزاینده‌ای در سیاست‌گذاری خارجی دارد. این امر، همراه با تلاش کشورهای مسلمان برای صلح با اسرائیل، نشان‌دهنده واقعیت‌های استراتژیک در حال تغییر است که سیاست خارجی پاکستان باید در آینده با آن مقابله کند.

در حالی که تهدیدها ادامه دارند، سوال اصلی این است که آیا پاکستان می‌تواند فراتر

از اینها حرکت کند تا تعاملات مطلوب تری با کشورهای همسایه خود، به ویژه با هند و افغانستان ایجاد کند.

## پویایی امنیت

جستجوی پاکستان برای امنیت - که در معنای کلاسیک واقع گرایانه درک می شود - شامل سیاست بقای ملی، تمامیت ارضی، توانمندسازی نظامی و نگرانی بیش از حد، اگر نگوییم انحصاری، با تهدیدات است. بلافاصله پس از استقلال، ترس های جدایی طلبانه در خیبر پختونخوا (استان مرزی شمال غربی سابق) و بلوچستان، جایی یا صوبه ای که شاهزاده کلات استقلال خود را در ماه اوگست 1947 اعلام کرد، پویایی تهدید امنیتی را تشدید کرد. در داخل تشکیلات استراتژیک پاکستان، این تهدیدها یک موضع امنیتی نظامی شده داخلی را توجیه می کند و به آن کمک می کند که رویکرد آن را به امنیت منطقه ای نشان می دهد. این موضوع همچنان ادامه دارد و نمونه آن در دستگیری یک جاسوس هندی به نام **کولبوشان جادو** در سال 2016 در بلوچستان و حمایت افغانستان از گروه های شبه نظامی بلوچ ضد پاکستانی است. در حالی که تهدیدها ادامه دارند، سوال اصلی این است که آیا پاکستان می تواند فراتر از اینها حرکت کند تا تعاملات مطلوب تری با کشورهای همسایه خود، به ویژه هند و افغانستان ایجاد کند.

روابط پاکستان و هند در دهه گذشته داستانی از فرصت های از دست رفته بوده است. آخرین مرحله حسن نیت بین **نواز شریف**، نخست وزیر سابق پاکستان و **نارندرا مودی**، نخست وزیر هند، در سال های 2014 و 2015 بود، زمانی که رهبران دو کشور وعده، پتانسیل و چشم اندازی را برای آسیای جنوبی مرتبط از طریق تجارت و دادوستد نشان دادند. زمانی که پایگاه نیروی هوایی **پاتانکوت** تنها دو هفته پس از بازدید غیرمنتظره **مودی** از لاهور مورد حمله قرار گرفت، این افتخار اولیه از بین رفت. روابط **هند** و پاکستان از آن زمان بهبود نیافته است و در عوض تا حدی بدتر شده است که به خصوص با توجه به اقدامات یکجانبه **هند** در کشمیر، احیای آن غیرممکن به نظر می رسد. پویایی های امنیتی سنتی احتمالاً در سیاست خارجی پاکستان ادامه خواهد داشت، زیرا دولت های فعلی در توجیه تجارت و تعامل همکاری با **هند** با مشکل مواجه هستند، مگر اینکه اگر **هند** ماده «370» را لغو کند.

با توجه به رویکرد پاکستان در قبال افغانستان، حرکت های اخیر به سوی حل و فصل صلح بین الافغانی زمینه ای برای خوش بینی فراهم می کند، از جمله باز شدن مرز پاکستان و افغانستان برای تجارت به عنوان مثال، کشتی هایی که کودهای شیمیایی را به افغانستان انتقال می دهند اکنون می توانند در بندر **گوادر** پهلو بگیرند. با این حال، چالش های سیاست خارجی پاکستان در سناریوی توافقنامه پس از صلح همچنان ادامه دارد، از جمله خطر سقوط افغانستان به وضعیت جنگ داخلی وحشیانه، مانند دهه (1990). منافع سیاست خارجی پاکستان، ترویج افغانستان صلح آمیز و دو برابر کردن ستیزه جویی اسلامی را ایجاب می کند - با درک پیامدهای فاجعه بار آن بر دولت و جامعه پاکستان، که وجهه پاکستان را در جامعه بین المللی بیشتر می شکنند.



## الزامات ساختاری و سیاست خارجی پاکستان

الزامات ساختاری ناشی از یک سیستم بین‌المللی که پاکستان کنترل کمی بر آن دارد، بر سیاست خارجی پاکستان، عمدتاً پس از تهاجمات سال‌های (1979 و 2001) به افغانستان، تأثیر گذاشته است. در هر دو مقطع، عملاً برای پاکستان غیرممکن بود که از وضعیت امنیتی در حال توسعه در مرزهای غربی خود دست بکشد. در طول هر دو قسمت، در حالی که پاکستان ثابت قدم‌ترین متحد ایالات متحده بود، روابط نزدیک خود را با چین حفظ کرد. اخیراً پاکستان خود را در موقعیت ناآرامی بین ایالات متحده و چین می‌بیند زیرا توزیع توانایی‌ها در سیستم بین‌المللی چین را به عنوان یک رقیب استراتژیک جهانی و رقیب ایالات متحده برجسته می‌کند. این امر در انتقاد شدید ایالات متحده از مشارکت پاکستان در کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) مشهود است که باعث می‌شود پاکستان تکیه به یک طرف را بدون جلب نارضایتی طرف مقابل دشوار کند. اخیراً پاکستان خود را در موقعیت ناآرامی بین ایالات متحده و چین می‌بیند زیرا توزیع توانایی‌ها در سیستم بین‌المللی چین را به عنوان یک رقیب استراتژیک جهانی و رقیب ایالات متحده برجسته می‌کند.

در دو سال ابتدایی، دولت فعلی تحریک انصاف پاکستان (PTI) به دنبال بهبود روابط با ایالات متحده بودویکی از مشاوران اصلی دولت بار دیگر برکنار شدن کارهای پروژه‌های CPEC و مذاکره مجدد درباره قراردادهای CPEC دولت قبلی تأکید کرد. در همان زمان، دولت ترامپ به شدت از پاکستان انتقاد کرد و این کشور را متهم کرد که از وام‌های صندوق بین‌المللی پول برای پرداخت بدهی‌های چین استفاده می‌کند. فرصت عالی پاکستان با پیگیری روند صلح در افغانستان توسط دولت ترامپ و قرار دادن پاکستان به عنوان یک بازیگر کلیدی به دست آمد. با وجود توسعه روابط استراتژیک بین پاکستان و ایالات متحده، انتقاد ایالات متحده از سرمایه‌گذاری‌های چین در پاکستان از طریق CPEC کاهش نیافته است. ایلینز اولز، سفیر سابق ایالات متحده، بارها از کریدور به دلیل افزایش بار بدهی و وابستگی پاکستان به چین انتقاد کرده است.

این امر پاکستان و سیاست خارجی آن را به کجا می‌کشاند؟ باید دید که آیا پاکستان مشوق‌های اقتصادی مشخصی برای حمایت از روند صلح افغانستان می‌بیند یا خیر.



در حال حاضر، دولت کنونی پاکستان شرط‌های خود را روی حمایت ایالات متحده برای تضمین خروج از فهرست خاکستری گروه ویژه اقدام مالی و با پیگیری سریع پروژه‌های CPEC چشم پوشی از بد بینی اولیه خود نسبت به CPEC دارد.

## نتیجه

از این پس، چالش سیاست خارجی پاکستان سه جانبه باقی خواهد ماند: **اول**، به صفر رساندن منافع ملی خود در مقابل آرمانگرایی هنجاری در روابط خود با جهان اسلام و تحکیم CPEC به منظور معکوس کردن رکود اقتصادی آن **دوم**، ترویج صلح منطقه ای با کشورهای همسایه و محدود کردن تهدیدات نظامی که دستاوردهای اقتصادی را به خطر می اندازد. و در **نهایت**، تداوم تعاملات چندجانبه جهانی با جامعه بین الملل برای حذف سناریوهایی که در آن پاکستان مجبور به انتخاب بین ایالات متحده و **چین** است یا این حال، با تشدید روابط ایالات متحده و چین، نابری متعادل پاکستان بین دو قدرت مورد آزمایش قرار خواهد گرفت و خواستار ارائه یک پیشنهاد بسیار سخت گیرانه تر از تضمین ها و اطمینان خاطر به هر دو قدرت است مبنی بر اینکه گسترش سیاست خارجی این کشور به یک بازی حاصل جمع صفر تقریب ندارد.

## چند سطر در مورد نویسنده :

### فرحان صدیقی

دکتر فرحان حنیف صدیقی دانشیار (در مرخصی) در گروه روابط بین الملل دانشگاه کراچی است. او در حال حاضر به عنوان محقق در موسسه تحقیقات خاورمیانه (MERI) در اربیل، منطقه کردستان، عراق خدمت می کند. علایق تحقیقاتی او شامل قومیت، ملی گرایی، درگیری قومی و امنیت و پویایی درگیری در خاورمیانه و جنوب آسیا است. دکتر صدیقی تئوری و تاریخ روابط بین الملل را در دانشکده اقتصاد لندن (LSE) خواند و سپس به دانشگاه کراچی بازگشت و در سال 2010 دکترای خود را در مورد وضعیت و سیاست قومیت در پاکستان به پایان رساند. تحقیقات او بر دو جنبه کمتر تحقیق شده درگیری قومی متمرکز است، یعنی نقش اختلافات درون قومی در ساختار و تضعیف مطالبات قومی، و نقش متمرکز کردن منافع دولتی در برانگیختن مطالبات قومی منطقه ای شده. دکتر صدیقی نویسنده «سیاست قومیت در پاکستان: جنبش های قومی بلوچ، سندی و مهاجر» است (راتلج، 2012). از جمله مقالات متعدد تحقیقاتی او می توان به پویایی امنیت منطقه ای در خاورمیانه: جستجوی مشکل ساز برای یک رهبر منطقه ای، انتخابات عمومی در پاکستان 2013: تحکیم دموکراسی، و پویایی امنیت در بلوچستان پاکستان: فعالیت مذهبی و درگیری های قومی در جنگ اشاره کرد. در مورد ترور

این تحلیلگر پاکستانی سیاست پاکستان را بگونه واقعی آن به تحلیل نگرفته ؛ چنانچه در چندین جا پاکستان را بحیث فعال صلح برای افغانستان تعریف کرده ؛ حالانکه پاکستان خلاف روحیه اسلامی یگانه کشور و در راس آن آی اس آی است که افغانستان را دشمن اصلی خود میداند و تمام بد بختی های موجود در افغانستان حاصل سیاست های دوگانه و فتنه انگیزانه ای این پایگاه نظامی انگلیس استعمارگر است ...

تبصره توسط این قلم

----- با تقدیم احترامات (2022-06-01)